



اساس سوسیالیسم انسان است
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

15

یک دنیای بهتر

برای

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

چهارشنبه ها منتشر میشود 5 سپتامبر 2007 - 14 شهریور 1386 e.mail: siavash_d@yahoo.com

سردبیر: سیاوش دانشور



نامه سرگشاده به آقای بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل

به مناسبت ۱۰ اکتبر، روز جهانی علیه مجازات اعدام بمنظور توقف اعدامها توسط رژیم اسلامی فوراً اقدام کنید!

آقای دبیر کل

همانطور که مطلع هستید ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه مجازات اعدام است. ما از شما میخواهیم که بمنظور توقف اعدامها در ایران اقدامات لازم را در دستور خود قرار دهید.

رژیم جمهوری اسلامی از ابتدای قدرت گیری اش در سال ۱۹۷۹ تاکنون بیش از صد هزار نفر را اعدام کرده است. مردم در ایران تحت حاکمیت یکی از وحشیانه ترین و سرکوبگرترین رژیمهای دیکتاتوری تاریخ معاصر زندگی میکنند. رژیم جمهوری اسلامی باید بخاطر نقض ابتدایی ترین حقوق مدنی و حقوق بشر و اعمال شکنجه و اعدام و سنگسار قویا محکوم شود.

مردم در ایران بخاطر عقاید سیاسی شان، بخاطر داشتن رابطه جنسی خارج از ازدواج، بخاطر معتاد بودن، دستگیر و شکنجه و اعدام میشوند. حتی کودکان از این رژیم و جنایتهایش در امان نیستند. تعدادی نوجوانان پسر و دختر بخاطر هم جنس گرا بودن و داشتن رابطه جنسی اعدام شده اند. بنا به گزارش سال ۲۰۰۵ عفو بین الملل، رژیم اسلامی با اعدام حداقل ۹۴ تن در این سال دارای دومین مقام اعدام در سطح جهان است. این تعداد از سال ۲۰۰۵ به بعد افزایش یافته است بطوریکه در سال ۲۰۰۷ تاکنون ۱۷۴ تن اعدام شده اند. این ارقام در حال گسترش است.

اعدام قتل عمد دولتی است. باید غیر قانونی و منع شود. رژیم جمهوری اسلامی بخاطر نقض حقوق انسانی شهروندان جامعه باید محکوم شود. رژیم اسلامی نماینده مشروع مردم در ایران نیست و باید از مجامع بین المللی مانند رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی اخراج گردد.

ما از شما میخواهیم که بمنظور توقف اعدامها توسط رژیم اسلامی فوراً اقدام کنید. مردم ایران رژیم اسلامی را عامل جنایت و بی حقوقی و سرکوبگری و تمامی معضلات گریبانگیر جامعه میدانند. مردم خواهان محاکمه سران جنایتکار این رژیم در دادگاههای بین المللی هستند.

با احترام ، علی جوادی

دبیر کمیته مرکزی حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۸ سپتامبر ۲۰۰۷



یادداشت سردبیر

سیاوش دانشور

زندانی، خاوران، اینروزها!

واژه زندانی شاید برای نسل جدید همان معنای را نداشته باشد که برای نسل بخون کشیده انقلاب ۵۷ مقاومت و قهرمانی و مبارزه و تسلیم نشدن در اوضاع امروز همانی نیستند که در دوره ای که انقلاب به مسلخ برده میشد بودند. شکاف نسلی و ویژگیهای امروز جامعه قرن و بیست و یکمی ایران، که در تناقض خردکننده اسلام و سرکوب و جنگ و مقاومت بسر میبرد، شاید المنتهائی از دوره های پیشین را در خود دارد اما همان نیست که نسل انقلاب ۵۷ تجربه کرد. نه افکار و عقاید و روشهای مبارزه همانند و نه حکومت اسلامی همان است. نه مردم و طبقه کارگر و جنبشهای اجتماعی و نه حکومت ادامه سیر خطی آن دوران نیستند.

زندانی و خاوران برای ما بازماندگان یک کشتار عظیم قرن بیستم امروز را به گذشته وصل میکند اما برای نسلی که میخواهد جنگش را با این رژیم به فرجام برساند تنها یک تاریخ است. اینکه ضروری است و باید از این تاریخ درس گرفت و آموزه ها و دستاوردهای آن را در جبهه های نبرد طبقاتی امروز بکار بست تردیدی نیست. اما اینکه با همان توشه و روشها و تجارب میتوان در جنگ امروز پیروز شد جای تردید جدی هست. در فرهنگ و روش زندگی و نگرش نسل امروز، در خصوصیات و مولفه های جنبشهای درگیر در جامعه امروز ایران، تفاوتها بسیار بیشتر از شباهتها به آن دوران است. مفاهیم و ارزشها و ضد ارزشها یکی نیستند. آنچه بر ذهن و روان نسل

صفحه 8



در باره کمپین روز جهانی علیه اعدام

صفحه 2

گفتگو با علی جوادی

ویژگیهای اقتصاد و سیاست غیر متعارف

سرمایه داری معاصر

(مهندسی اجتماع- انقلابهای رنگی و الترنتیو پروغرب)

صفحه 3

خسرو دانش



دکترین مهدویت و اوضاع موجود!

صفحه 6

سعید مدانلو



پاسخ به یک سوال

آذر ماجدی

صفحه 7

در صفحات دیگر؛ روز کارگر در تورنتو، اولین تجربه من، ستون آخر.

گفتگو با علی جوادی پیرامون؛

کمپین "علیه اعدام، علیه رژیم صد هزار اعدام"



یک دنیای بهتر: حزب در ادامه تلاش برای مقابله با تعرض رژیم اسلامی کمپین "علیه اعدام، علیه رژیم صد هزار اعدام" را در دستور گذاشته است. چرا این کمپین؟

علی جوادی: کمپین "۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام، روز جهانی علیه رژیم ۱۰۰،۰۰۰ اعدام" شکل مشخص و تلاش ویژه حزب ما در عرصه اجتماعی برای مقابله با تعرض رژیم اسلامی به جامعه است. در ۱۰ اکتبر عفو بین الملل، ائتلاف سازمانهای ضد اعدام و همچنین اتحادیه اروپا قطعنامه ای را در اجلاس عمومی سازمان ارائه خواهند داد. این قطعنامه خواهان توقف فوری اعدام در سطح جهان است. علاوه بر اهمیت جهانی مبارزه برای توقف فوری اعدام در سطح جهان و لغو مجازات شنیع اعدام، ما تلاش میکنیم که این مبارزه را به مبارزه علیه رژیم صد هزار اعدام گره بزنیم و اقدامی جهانی را در این شرایط مشخص دنبال کنیم.

کمونیسم کارگری یک رکن مهم مقابله برای برچیدن این بساط آدمکشی طبقه حاکم است. از نظر ما اعدام قتل سازمانیافته و جنایت دولتی است. برای ما تصویب چنین قطعنامه ای و تلاش برای ایجاد منع حقوقی و قانونی برای اعمال مجازات اعدام در سطح جهان اهمیت بسیاری دارد. ما برای پیشبرد موفق این حرکت تلاش میکنیم. از طرف دیگر رژیم جمهوری اسلامی رژیم صد هزار اعدام است. رژیمی است که سنگ بنای آن بر مبنای اعدام و تیرباران و طناب دار گذاشته شده است. اگر در سطح جهان بتوان از "حکومت اعدام" صحبت کرد، مصداق بارز آن رژیم اوباش جمهوری اسلامی است. تلاش ما بر این است که مبارزه برای لغو اعدام را با مبارزه علیه رژیم اعدام گره بزنیم.

ما میخواهیم مردم مترقی جهان، بشریت متمدن، بدانند که رژیم اسلامی مشغول انجام چه جنایات هولناکی بر علیه مردمی است که حکومت اسلامی را نمیخواهند. فقر و فلاکت و استبداد و حجاب و آپارتاید جنسی و اعدام و شکنجه را نمیخواهند. میخواهند انسانی زندگی کنند. امروزی زندگی کنند. میخواهند آزاد و برابر و مرفه زندگی کنند. ما میکوشیم کمپین علیه اعدام به مبارزه علیه رژیم اسلامی اعدام گره بخورد. این دو پدیده باید با هم در اذهان جامعه بشری تداعی شوند.

دنیای بهتر: حزب تاکید بسیاری در اجتماعی بودن کمپین و "کار بزرگ" کرده است. این کمپین چگونه این هدف اجتماعی حزب را میتواند متحقق کند؟

علی جوادی: حزب ما در عین احترام برای هر تلاش کوچک و هر قدمی جهت احقاق حقوق مردم، نمیخواهد خود را در گیر اقدامات از نظر اجتماعی کوچک و حاشیه ای کند. دنیایی امروز صحنه تحولات و رویدادهای بزرگ است. ما میخواهیم بازیگر سیاسی این تحولات باشیم. این کمپین و حرکتی را که حزب اتحاد کمونیسم کارگری شروع کرده است دارای چنین ویژگی هایی است. مبارزه علیه اعدام یک مبارزه جهانی و گسترده است. جریانات متعددی را در برمیگیرد. گره زدن مبارزه علیه رژیم اسلامی به مبارزه جهانی علیه اعدام معنای زمینی و موثر به مقابله با اعدام می بخشد. به این مبارزه ابعاد اجتماعی و جهانی میدهد.

دنیای بهتر: تاکیدات مبارزاتی این کمپین کدامها هستند؟ آیا کار "لابیستی" هم در دستور دارید؟ نقطه تمرکز این کمپین کجاست؟ آیا این کمپین یک پروژه "خارج کشوری" است؟

علی جوادی: ما مانعی برای کار "لابیستی" نداریم. تلاش میکنیم که در مجمع ان جی او ها در سازمان ملل حضور داشته باشیم و در این عرصه هم سیاستهای خودمان را پیش ببریم. بدین منظور با برخی از نهادهایی که دارای چنین امکاناتی هستند تماس گرفته ایم. اما تلاش ما عمدتاً بر فشار از "پائین" استوار است. ما میکوشیم که به یک جنبش عمومی علیه اعدام و رژیم صد هزار اعدام دامن بزنیم. اساس کار ما روی افکار عمومی است. اما این کمپین به هیچوجه یک کمپین "خارج کشوری" نیست. مسلمان وجود آزادیهایی مدنی در خارج از ایران امکان اقدام گسترده و میدان وسیعتری برای بازی به ما میدهد اما این کمپین به خارج از مرزهای جغرافیای سیاسی ایران تعلق ندارد. پیشبرد این کمپین در داخل کشور ویژگی ها و تفاوتیهای خود را دارد. همچنین از تمامی نهادهای ضد اعدام میخواهیم که وسیعاً در این امر جهانی دخیل شوند. این کمپین را از آن خودشان بدانند.

دنیای بهتر: چگونه میتوان در این شرایط جنبه "داخل کشوری" این کمپین را پیش برد؟

علی جوادی: ویژگی های "داخل کشور" ابعاد متمایزی به این کمپین میدهد. مبارزه علیه اعدام دارای سابقه و زمینه معینی در دوران اخیر در ایران است. جنبش آزادی و برابری یک رکن اساسی مبارزه علیه اعدام و رژیم صد هزار اعدام است. نیروهای بسیاری علیه اعدام و مجازات اعدام به یمن فعالیت های گسترده جنبش ما موضع گیری کرده اند. فضای سیاسی جامعه به میزان زیادی در ضدیت با اعدام و قتل

این تلاشی برای متوقف کردن اعدام در سطح جهان و در هم شکستن بساط اعدام و برپایی چوبه های دار در ایران است.

دنیای بهتر: اهداف این کمپین چیست؟ این کمپین دارای چه ویژگی هایی است؟

علی جوادی: این کمپین دارای دو هدف اساسی است؛ از یک طرف ما تلاش میکنیم به مبارزه علیه اعدام در سطح جهان ابعادی گسترده تر ببخشیم. نقش واقعی این بساط ضد انسانی در مقابله با جامعه را نشان دهیم. اعدام جنایتی شنیع است. بدون هیچ قید و شرط و اما و اگر باید برچیده شود. برای ما توقف فوری اعدام تنها یک گام در برچیدن بساط اعدام در سطح جهان است. از طرف دیگر ما میکوشیم که در این روز رژیم جمهوری اسلامی را به مثابه رژیم چوبه های دار در دنیا بیش از هر زمان افشاء و ایزوله کنیم. تعرض گسترده کنونی اش به مردم را در هم بشکنیم. گره زدن مبارزه علیه اعدام با مبارزه علیه رژیم اعدام بعد ویژه ای است که حزب ما میکوشد به این جنبش ببخشد. ما نیروی "زمینی" این حرکت انسانی را میخواهیم به میدان بکشیم.

دنیای بهتر: پیروزی این کمپین را حزب چه تعریف کرده است؟

علی جوادی: ما خواهان تصویب این قطعنامه در شورای امنیت سازمان ملل هستیم. اما این پایان کار ما در مبارزه علیه اعدام در سطح جهان نیست. این گام باید با منع قانونی و حقوقی اعدام در سطح جهان دنبال شود. رژیمهای متکی بر اعدام از جمله رژیم اسلامی، چین، و آمریکا و عربستان سعودی که دارای بیشترین تعداد اعدام در سطح جهان هستند، باید تحت یک فشار بین المللی قرار گیرند. از طرف دیگر

ویژگیهای اقتصاد و سیاست غیر متعارف

سرمایه داری معاصر

(مهندسی اجتماع- انقلابهای رنگی و آلترناتیو پرو غرب)

خسرو دانش

جهان از نظر رشد نیروهای مولده و مطالبات جنبشهای مترقی، مدرن و انقلابی وارد فاز کمونیزم شده است. اما دولتهای سرمایه داری میلیتاریستی بویژه غربی با بکار بستن یک اقتصاد بحرانی پیوسته و غیر متعارف، بوسیله ی یک سیاست ارتجاعی نوین جهانی مانع تحول جامعه از سرمایه داری به کمونیزم هستند. سرمایه داری جهانی دیگر قادر نیست با کاربست یک نظم مدرن سیاسی به انباشت سرمایه در حالت متعارف ادامه دهد و مدرنیسم بشدت هزینه های تولید سرمایه داری را افزایش میدهد. با توجه به متد مارکس در کاپیتال، نه اقتصاد، اقتصاد متعارف سرمایه داریست و نه سیاست، یک سیاست متعارف سرمایه داری میباشد. ساختاری شدن پدیده ی بیکاری و از بین رفتن چرخه های اقتصادی و دوره های رکود و ترقی سرمایه داری نشان از این دارد که جامعه ی جهانی دیگر قادر نیست در قالب مناسبات تولید سرمایه داری متعارف به رشد خود ادامه دهد و در نتیجه وجود فاکتورهای جدید حاکی از این است که جهان در آستانه ی تحول از سرمایه داری به کمونیزم است. مارکس در آثار خود این متد را ارائه میدهد که در جامعه ی سوسیالیستی تضاد کار پدی و فکری برفع کار فکری از بین میرود.

از این متد خیلی مهم میتوان با رجوع به اقتصاد جهان کنونی به نتایج مهمی رسید. از جمله اینکه چنانچه با وجود از بین رفتن تضاد کار پدی و فکری، همچنان با کاربست سیاست سرکوبگر میلیتاریستی و تروریسم دولتی جامعه را در چهارچوب سرمایه داری متوقف کند، عوارض سرمایه داری مثل بیکاری و غیره تبدیل به امر ساختاری شده و اقتصاد از روند متعارف بحران، رکود و ترقی و کلا چرخه های

توجه به این مسائل مثلا در ایدئولوژی بورژوازی معاصر دیگر مفهومی بنام **انقلاب یا خشونت انقلابی و رادیکال** وجود ندارد و نمیتواند وجود داشته باشد، چون بورژوازی معاصر مفاهیم و مقوله ها را با توجه به منافع سرمایه داری معاصر تعریف میکند، نه بطور غیر تاریخی و فراجتماعی و انتزاعی. متفکرین سرمایه داری معاصر اکنون با توجه به رویکرد ارتجاعی اقتصادی و سیاسی سرمایه داری انقلاب را مساوی با خشونت غیر انسانی تعریف میکنند و ریشه ی **انقلابات رنگی** مثل انقلاب نارنجی و غیره از اینجا آب میخورد.

لذا مسائل ایران و بویژه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نیز نمیتواند خارج از این چهارچوب باشد. به این معنی که جنبش پرو غرب در ایران در مقابل رژیم اسلامی تحلیلا تنها میتواند از طریق انقلابهای رنگی حرکت کند و از طرف دیگر بدلیل ایدئولوژیک بودن این رژیم مکانیسم انقلابات رنگی قادر نیست مثل برخی جوامع اردوگاهی کاربرد داشته باشد. بدلیل اینکه مکانیسم انقلابات رنگی تنها در جوامعی میتواند کاربرد پیدا کند که از چهارچوب رژیمهای دیکتاتوری و یا مستبد ایدئولوژیک بیرون آمده و در راستا و روند وضعیت موقت ظاهرا دمکراتیک قرار گرفته و دارای نهادهای دمکراتیک و توسعه ی سیاسی مثل **ان جی اوها** باشد و بتواند سناریوی جدید انتخاباتی بورژوازی معاصر را تحت عنوان انقلابهای رنگی متحقق کند.

چنین انقلاباتی در مقابل رژیم مستبد ایدئولوژیک اسلامی هیچ زمینه ای برای متحقق ساختن خود ندارند و در جا با شکست مواجه میشوند که اخیرا اپوزیسیون پرو غرب چنین حرکتی را تحت عناوینی مثل مقاومت مدنی یا رفراندوم و یا

دیگر **آلترناتیوهای مدنی و ضد خشونت** از خود نشان داد و بعد از اینهم نمیتواند رادیکالتر از این چهارچوبهای باصطلاح **"مدنی"** حرکت کند و دقیقا بهمین خاطر بود که این جنبش بعد از عبور جامعه از جنبش دوم خرداد نتوانست رهبری جنبش سرنگونی را بدست گیرد و به حاشیه ی جامعه پرت شد تا جامعه بتواند وارد فاز چپ شود. اصولا جنبش پرو غرب اگر نتواند خود را با سیاستها و ایدئولوژی بورژوازی غربی در کشورهای جهانسومی مطابقت دهد در نهایت به یک جنبش انتزاعی و حاشیه ای تبدیل خواهد شد و اگر بخواهد خود را با این وضعیت تطبیق دهد دیگر از حالت یک جنبش ناسیونالیستی عظمت طلب متعارف پرو غرب در آمده و به یک جنبش غیر متعارف ناسیونالیستی قومی و فدرالیستی تبدیل خواهد شد. هیچ کسی نمیتواند اثباتا بگوید که با رادیکال تر و چپ شدن جنبش سرنگونی طلبی، بورژوازی غربی به یک آلترناتیو پرو غربی متعارف با محتوای ناسیونالیسم عظمت طلب پان ایرانیستی در ایران تن خواهد داد.

مهمترین مسئله ی دیگر سرنگونی انقلابی رژیمهای مستبد و یا مستبد ایدئولوژیک در دوره ی نظم نوین جهانی یا در واقع سیاست و نظم سیاسی غیر متعارف بورژوازی غربی ست. چنین سیاسی حکایت از این دارد که اقتصاد سرمایه داری کنونی جهان معاصر تحت الشعاع سیاست سرکوبگر میلیتاریستی و تروریسم دولتی قرار گرفته است و شرایط بجایی رسیده است که سرمایه داری عمدتا میخواهد بطور مصنوعی ادامه ی حیات دهد و از شرایط متعارف تابعیت سیاست از اقتصاد بورژوایی خارج شده است. این بدین معنا ست که دولتهای میلیتاریستی غربی به رهبری دولت امریکا علاوه بر **مهندسی افکار** از عامل **مهندسی اجتماع** نیز استفاده میکند و این یکی دیگر از پروژه های جدید سرمایه داری معاصر است. مهندسی اجتماع علیرغم دمکراسی طلبی و انتزاع گرای

ویژگیهای اقتصاد و سیاست غیر متعارف سرمایه داری معاصر...

کمونیستی کارگری باید بورژوازی را در زمین خودش شکست بدهد یک متدولوژی جدید از طرف منصور حکمت بود که میتواند به یک بحث گسترده ی جدید تبدیل بشود، چونکه این تئوری در بطن خود عناصر متعدد فکری را حمل و مطرح میکند.

اصولاً چنین بحثی در تقابل با عامل مهندسی اجتماع، مهندسی افکار و تئوری تغییر صورت مسئله میباشد و عناصر ضد این عوامل و فاکتورها را در خود حمل میکند. این تئوری در رابطه با حکومت اسلام سیاسی در ایران شکل ویژه پیدا میکند، با توجه به اینکه یک رژیم استبدادی ایدئولوژیک از چهارچوب رژیمهای متعارف مستبد خارج شده و سرنگونی انقلابی آن شرایط حساستر و ویژه تری را پیدا میکند. رژیمی که در مقابل جنبشهای مدرن سوسیالیستی و چپ و در جهت سرکوب آن خود را به هیچ شرط و شروطی محدود نکرده و بی محابا به سرکوب علنی دست میزند. بنظر من بحث حزب کمونیستی کارگری اجتماعی و تسخیر مکانیسمهای اجتماعی قدرت در جامعه برای سرنگونی رژیم ایدئولوژیک جمهوری اسلامی بحثی حساس و گسترده تر از تصورات رایج در این جنبش است. لذا این بحث باید در یک متن جداگانه مفصلاً مورد بحث قرار بگیرد و از حوصله ی این نوشته و متن خارج است.

نمیکند. چون تئوری کلاسیک انقلاب تا جایی قابل صدق و تحقق است که دیگر جوامع پیشرفته ی سرمایه داری دارای آن توان و قدرت نظامی در جهت تغییر سرنوشت سیاسی جوامع ضعیفتر نیستند. از نظر جنبش کمونیسم کارگری فاکتور مهندسی اجتماع دولتهای میلیتاریستی غربی با توجه به میزان و درجه ی قدرت تغییر خود، میتواند تماماً نتیجه ی پروسه ی حرکت بومی و درونی یک جامعه ی مثلاً جهانسومی را کاملاً بنفع خود تغییر دهد و تمام کند. لذا از این نظر تئوری نوکلاسیک انقلاب وارد صحنه شده و عمل میکند. منصور حکمت با بحثهای اخیر خود تحت عنوان حزب و جامعه و حزب و قدرت سیاسی و دیگر بحثهای اواخر حیاتش تقریباً بنظر من بدون بکار بردن چنین اصطلاحی محور عمده ی تئوری نوکلاسیک انقلاب را تئوریزه کرد. از این نظر تنها یک **حزب کمونیستی اجتماعی** میتواند رژیمهای مستبد سرمایه داری را سرنگون کند، حزبی که مکانیسمهای اجتماعی قدرت در جامعه را تسخیر کرده باشد و در نهایت بورژوازی را در زمین خودش شکست دهد. یک حزب رادیکال چپ فرقه ای در جهان معاصر هرگز نمیتواند یک انقلاب سوسیالیستی را متحقق کند و در نهایت در این راستا شکست خواهد خورد. اینکه حزب

دوروی چپ و راست سکه جنبش چپ رادیکال میباشد. چپ رادیکال با رویکرد غیرتاریخی و فرقه ای خود هرگز قادر نیست و نمیخواهد شرایط ویژه ی نظم نوین جهانی و فاکتور مهندسی اجتماع دولتهای میلیتاریستی غربی را ببیند و هضم کند. از نظر این چپ، انقلاب در عصر کنونی از مکانیسمهای کلاسیک خود تبعیت میکند و هرگز تغییر پذیر نیست. از این نظر هیچ عامل خارجی نمیتواند دینامیک پویای تحقق انقلاب را بهم بزند و هر لحظه توده ها نخواهند زیر سلطه ی یک حکومت مستبد بویژه ایدئولوژیک بمانند و حکومت هم نتواند به این مردم انقلابی حکومت کند، پدیده ی انقلاب بطور دینامیکی و دیالکتیکی رخ خواهد داد. در تقابل با رویکرد چپ رادیکال موضع جنبش کمونیسم کارگری وجود دارد که هرگز خود را از شرایط مشخص و ویژه انتزاع نمیکند و وضعیت و حیات استراتژیک یک رژیم مستبد ایدئولوژیک مثل اسلام سیاسی در ایران را بطور در خود و بومی تحلیل نکرده بلکه آنرا در چهارچوب سیاست سرمایه داری جهانی با توجه به ویژگیهای درونی و بومی آن تحلیل میکند.

کمونیسم کارگری تماماً به تئوری کلاسیک انقلاب وابسته نیست و بر مبنای این تئوری تحلیل پراتیک

متفکرین ابله پست مدرن و نئوکنسرواتوئو که همواره بطور ارتجاعی (و نه انتزاعی) در خدمت دولتهای میلیتاریستی غربی هستند، در نهایت وضعیتی مثل اوضاع عراق را بعد از حمله ی نظامی به یک کشور در چهارچوب **محوریت شر و شیطان** بوجود میاورد و **بهبوجه قصد متحقق ساختن دمکراسی را در اینگونه کشورها ندارد.** در واقع مهندسی اجتماع تغییر صورت مسئله کشورهاست و فراتر از این سطح نمیخواهد و نمیتواند برود. تغییر صورت مسئله یا مهندسی اجتماع در راستای تحقق وضعیتی ست که فرصت سرکار آمدن حکومتهای چپ و مترقی و مدرن را از جوامع بویژه جوامع خاورمیانه و جهانسومی بگیرد و روندهای سیاسی در جوامع را در مسیر دلخواه ارتجاعی خود قرار دهد (مثل سرکار آوردن اسلام سیاسی در ایران و عراق و افغانستان) و یا متحقق ساختن انقلابهای رنگی در کشورهای بویژه اردوگاهی اروپای شرقی و آسیای میانه.

فاکتور مهندسی اجتماع، رادیکالیسم چپ رادیکال را کاملاً فلج میکند و سعی میکند این جنبش را به شکست طلبی نامیدوار کننده سوق دهد. در واقع رادیکالیسم سرنگونی طلبی و شکست طلبی



بهر این نیست که چنین انسانی از نظر روانی و روحی مورد بازبینی قرار گیرد تا دلایل روی آوردنش به قتل و جنایت شناخته شود؟ مسلماً او نیز مانند هر انسانی در بدو تولد اینچنین درنده خو و قاتل نبوده ولی این جامعه و شرایط زندگی او بوده که وی را نسبت به انسان های دیگر بدبین و خشمگین ساخت تا جاییکه کمر به قتل آن ها بست. در واقع هر گونه انحراف و کج روی در یک جامعه تنها معطوف به شخص خاصی نمی شود بلکه ریشه در شرایط اجتماعی ای دارد که از یک انسان تبهکار میسازد. وگرنه هرچه یک جامعه انسانی تر و ایمن تر باشد قاعدتاً خلاف نیز در آن کمتر است.

عدالت با قتل اجرا نمیشود...

مسلماً در جامعه محافظه کاری همچون ایران مردم برای سرپوش گذاشتن روی مشکلات و کمبودها و انداختن تقصیر به گردن یکدیگر بسیار مستعد هستند. از طرف دیگر رژیم حاکم نیز از این اوضاع استفاده کرده با موجه نشان دادن مجازات اعدام و سنگسار سعی دارد که فضای جامعه را ملتهب کرده و جو خفقان و ترس و مرگ را بر آن حاکم کند. هر روز شاهد به دار آویختن انسانهای بیشتری هستیم و این در حالی است که بسیاری از آن ها اصلاً جرمی مرتکب نشده اند یا هنوز مجرم بودن آن ها اثبات نشده است. در واقع دولت با پیش گرفتن راه جزا به جای باز پروری مجرمین سعی دارد به اسم عدالت گردن زده، مردم را مجبور به سکوت کند.

باید با تمام قدرت در مقابل این قتل دولتی و این جنایات ضد انسانی بایستیم. جامعه قرن بیست و یکم باید جامعه ای با خصایص انسانی باشد و وجود چنین اعمال قرون وسطایی در آن محکوم است. باید در مقابل رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و هر دولتی که این قبیل احکام شنیع در آن اجرا می شود مقابله کرد. باید جنبش الغای مجازات اعدام را گسترش داد.*

عدالت با قتل اجرا نمیشود!

اولین تجربه من

کامیار آزادمهر

گرفت. انگار که با سکوت خود می‌گفت من کار خود را کردم حال هر چه می‌خواهید بکنید. ضربه‌های تازیانه بر بدن او کاری نبود ولی بعضی از اعضای خانواده‌ها هنگام اجرای احکام به گریه می‌افتادند. بعضی‌ها با تمام وجود به جان مرد می‌افتادند اما در آخر خسته و ناتوان نوبت را به شخص دیگر می‌دادند. با تمام قربانیان احساس همدردی می‌کردم و با تمام وجود می‌خواستم که آن مرد به اشتباه خودش پی ببرد و اظهار پشیمانی کند. دوست داشتم صحنه‌ای را ببینم که به پای بازماندگان قربانیان جنایت هولناک خود می‌افتد و تقاضای بخشش و پشیمانی می‌کند. حکم قصاص اجرا شد و مرد خاطی چندین بار با طنابی که به یک جرتقیل بزرگ نصب شده بود بالا و پایین برده شد اما آن لبخند از لبانش محو نمی‌شد. تنها چیزی که حس می‌شد فوران انرژی منفی بود که از مرد به جماعت سرازیر می‌شد. خود را همچون موجودی درنده‌خو دیدم که با لذت مشغول تماشای کشته شدن یک انسان است که اگرچه جنایتی هولناک مرتکب شده اما هیچ‌گاه از کاری که کرد پشیمان نشد. تن او مُرد اما فکر ضد انسانی او در جامعه ماند تا در سال‌های بعد این قسم جنایات آنقدر زیاد شود که خواندن آنها در صفحه حوادث چیزی عادی بنماید.

آنجا بود که کم‌کم فهمیدم حذف یک انسان گناهکار نه تنها بار گناه را از دوش جامعه بر نمی‌دارد بلکه چیزی نیز به آن می‌افزاید. در واقع کشتن مجرم موجب می‌شود درد و کمبودی که باعث به وجود آمدن این قسم جنایتکاران شده در بطن جامعه پنهان مانده و همچون میکروبی مرموز و ویرانگر قسمتهای بیشتری از جامعه را مبتلا و بیمار سازد.

صفحه 4

هر انسانی ممکن است در دوران زندگی خودش صحنه‌های مختلفی از به دار آویختن و اعدام‌های گوناگون با گاز و برق و ... در فیلم‌های سینمایی دیده باشد که به اسم اجرای عدالت صورت می‌گیرد. در واقع رسانه‌های دولتی اولین جایی هستند که این تفکر غیر انسانی را در جامعه عادی کرده و انتقام و حذف انسان خلاف کار را تنها راه جلوگیری در وقوع جرایم می‌شناسانند. به خوبی به یاد دارم اولین بار که با بچه‌های مدرسه از روی کنجکاو برای دیدن اعدام یک مرد جنایتکار که در رسانه‌های ایران به خفاش شب معروف بود و متهم به کشتن بیش از ده زن بی‌دفاع شده بود رفتم، فکر من این بود که چنین آدمی را باید به بدترین نحوی از پای در آورد. تمام آنچه که از میدیا دیده بودم به خاطر می‌آوردم از کشتن به وسیله گاز تا گیوتین اما هرآنچه بود کمتر از زجری بود که فکر می‌کردم باید بر این مرد حادث شود. هنگامیکه به محل اجرای حکم رسیدیم عده زیادی از مردم شده بودند و خانواده قربانیان به نوبت به بالا رفته و با شلاق حکم حد اسلامی را بر مرد جنایت‌کار اجرا می‌کردند. چیزی که در آنجا دیدم من را به فکر واداشت و مجبورم کرد قدری بیشتر در مورد آنچه اعتقاد من بود فکر کنم. صحنه عجیبی بود از این نظر که عده‌بی‌شماری به دور یک نفر آدم جمع شده بودند و با صدای بلند به او ناسزا می‌گفتند از طرفی عده‌ای دیگر به نوبت با شلاق به جانش می‌افتادند اما او درست‌زمانیکه باید از درد به خود بپیچد و از زور شرم و سرشکستگی هزاران بار آرزوی مرگ کند آرام و خونسرد به جماعت نگاه می‌کرد و لبخند می‌زد. انگار از خیلی زمان پیشتر می‌دانست که روزی چنین جایگاهی برای او خواهند ساخت و چنین مجازاتی در نظر خواهند

گزارشی از حضور فعالین حزب اتحاد کمونیسم کارگری در تظاهرات روز کارگر در تورنتو

کارگری هر سال با شرکت فعال خود در این مارش باشکوه ضمن اعلام همبستگی با کارگران در



کانادا صدای رسای کارگران ایران برای خلاصی از رژیم جنایت و فقر جمهوری اسلامی می‌گردند.

در راهپیمایی امسال نیز در صف



حامیان کارگران از حزب اتحاد کمونیسم کارگری، با بانر زنده باد سوسیالیسم و کارگران جهان متحد شوید و حزب کمونیست کارگری ایران و حزب حکمتیست با پرچمها و پلاکاردهای خود حضور فعال داشتند.*

روز کارگر در کانادا در تورنتو، سوم سپتامبر در مرکز شهر تورنتو با حضور دهها اتحادیه کارگری و گروههای و احزاب سیاسی چپ و مدافع کارگران به صورت کارنوال برگزار شد. در



این روز چندین هزار کارگر با بانرها و مطالبات خود در شهر راهپیمایی کردند و با موزیک و سر دادن شعار مسیر دو ساعته را تا مرکز CNE پیمودند. کارگران در این رو در چندین شهر بزرگ و صنعتی به خیابانها می‌ایند تا اتحاد و همبستگی خود در مبارزه برای یک زندگی انسانی به نمایش



بگذارند. صف جنبش کمونیسم

ضمیمه 15 نشریه یک دنیای بهتر منتشر شد؛

پایان سازمان زحمتکشان

بحران ناسیونالیسم کرد و مسئله تعیین تکلیف کومله

سیاوش دانشور

کمونیستها، کارگران!

به حزب اتحاد کمونیسم کارگری بپیوندید!

و سرود انترناسیونال بخوانند. مهدویت یعنی اعلام جنگ با آگاهی که دارد سر هر برزنی در خانه های مردم را میکوبد. "فلسفه انتظار" دقیقاً یعنی معطل نگهداشتن پتانسیل حرکتی و تخریب قوای تعرضی جامعه برای سرنگونی حکومت. مهدی موعود یعنی اختلال در مکانیزم شکل گیری انسجام اراده طبقه کارگر علیه منویات شوم حکومت جمهوری اسلامی. مهدویت به عینه تزریق ویروس جهل بر پیکر آزادیخواهی و برابری طلبی است.

در واقعیت امر و در عین حال این همه سر و صدا برای آقا مهدی بیانگر درماندگی ایدئولوژیک حاکمیت اسلام سیاسی برای مهار جنبش تعرضی جامعه علیه موجودیتش است. مهدی در کار نیست. نه تنها مهدی هایی که رقبای متقلبان اینروزها ظهورش میدهند و میخواهند به آنها رودست بزنند، تقلبی است بلکه مهدی جان خودشان هم به همان اندازه تقلبی است. همه اشان از دم گشت تقلبی اند. بنیاد تاریخش تقلبی است. داستان کودکی که قرنها پیش رفته توی یک چاه قایم شده و امروز بنا به این دلیل که "آدم های بد" کره زمین را تسخیر کرده اند با یک سری محاسبات کامپیوتری تعدادی دانشمند در قامت یک جوان با تواناییهای خارق العاده و شمشیری که شکست ناپذیرش میکند از چاه بیرون میاید، "آدم های بد" را قلع و قمع میکند و کره زمین را نجات میدهد، میتواند سناریوی خوبی برای فیلمهای اکشن هالیوودی باشد.

از جهتی دیگر، تو گویی جمهوری اسلامی و مبلغین "فرهنگ" اسلامیش از فرط استیصال در مهار جامعه به موهومات دست ساخت خودشان پناه برده اند. چیزی را که برای تمیق مردم اختراع کرده بودند از فرط سراسیمگی خود به دامنش چنگ انداخته اند تا نجاتشان دهد. در یک حرکت تعرضی گسترده مردم به موجودیت حاکمیت، همه "دکترین" این موهومات تاریخی از صفحات فرهنگ جامعه جارو میشود. هرچه بیشتر روی این چرندیات اصرار بورزند گورش را عمیقتر میکنند.*

شکستشان دادند!

کارگرمعترض و حق طلب را به زندان و شلاق محکوم میکنند. فعال کارگری ربوده و ناپدید میشود. دانشجو را در زندان شکنجه میکنند. دسته دسته جوان را میاورند وسط میادین شهرها به دار میکنند. وحشی های بیرحم خونسردانه دختر بچه ۴-۵ ساله را نظاره گر صحنه اعدام میکنند. خیابانها مملو از دختران جوان تن فروش است. فقر مردم را به ستوه آورده. در عوض ببینید تنها یکی از ده ها سایت اینترنتی مهدویت که من به آن مراجعه کرده ام نشان میدهد پول مفت حکومت را صرف چه مزخرفاتی میکنند. همایش بین المللی مهدویت، مرکز تخصصی مهدویت، دوره آموزش کوتاه مدت مهدویت، دوره آموزش مهدویت نخبگان، دوره آموزش تکمیلی مهدویت، مجتمع فرهنگی باوران حضرت مهدی، بزرگترین مرکز مهدویت پژوهی افتتاح شد، دوره آموزش مهدویت ویژه ائمه جماعات سراسر کشور، آموزش مهدویت برای دانشگاه تربیت معلم، فرهنگستان علوم اسلامی در همایش عاشورا و انتظار، برگزاری همایش مهدویت در بانکوک!! و... و این یکی آخری رو باش: "مرکز مطالعات راهبردی خیمه و مهدویت" (گوگل فارسی: اخبار مهدویت)

"دکترین مهدویت" یعنی تلاش برای فراهم آوردن بساط مفتخوری برای خود و گسترش فقر، تباهی، ناآگاهی و بی افقی جامعه. "فلسفه مهدویت" یعنی هرچه مشکلتر نمودن تامین مادیات و مایحتاج روزمره زندگی برای مردم، محکم گرفتن ریسمان بیخبری و استیصال جامعه و هرچه آسانتر شدن گسترش بی افقی و خرافات مذهبی و توسل به موهومات در چنین جامعه ای. در کنار سرکوب مستقیم مردم و اعمال سببیت آشکار، این را رمز دیگر ماندگاریشان میدانند. مهدویت یعنی حفر یک کیلومتر کانال جلوی گلزار خاوران که مردم نتوانند بروند آنجا را گلزاران کنند



دکترین مهدویت و اوضاع موجود!

سعید مدانی

بعید نیست از این جنس کلک های اسلام ناب محمدی توی کارشان باشد. بقول انگلیسی زبانها:

"they are up to something"

بعد از ظهور انواع امام زمانهای تقلبی، دیگر نوبت خود حضرت است تا بیاید به این وضع مسخره و هزار و یکصد جور جوک و کنایه که برایش درست کرده اند خاتمه بدهد! قرار است منجی عالم امکان (منظورشان در واقع امکان ماندگاری جمهوری اسلامیست)، لچک به سر با شئل و داشداشه، مجهز به انواع کمالات قدسی و کلیه فنون رزمی و آکروباتیک، شمشیر لیزری را بر دارد جست بزند بیرون چاه و یک کاره مشغول قتل عام ناباوران شود!

با فلسفه مهدویت، سمینار ظهور، انواع و اقسام مقالات مطول در خصوص پایان انتظار، دکترین مهدویت و هر چنگی که بلد هستند هرچه رادیو و تلویزیون و خبرگزاری و اینترنت که امکان راه اندایش برایشان فراهم بود را این روزها انباشته کردند. هر سایت اینترنتی را که توانستند فیلتر کنند به یمن پیروزی بجایش یک سایت مهدویت با مقدار معنایی چرندیات گذاشتند. اشتباهست اگر فکر کنید همه مستنداتشان هنوز حرف و حدیث نبوی و روایات امثال ابوسریع تنبلی مخدوم امام محمد باقر و عجل بن معطل ملازم امام موسی کاظم و و رد ادعای "محرور از امامت" جعفر کذاب است. (با جعفر صادق اشتباه نشود. این یکی برادر امام حسن عسکری عموی آقا مهدی موهوم بود و چون گفت مهدی موهوم است و برادرش هرگز فرزند پسر نداشته کذاب شد!) زحمت کشیدند کلی "دانشمند و محقق" پروراندند. عده ایشان رفتند هر یکی یک خوراک کتاب فلاسفه و متفکرین معاصر غرب را زیر و رو کردند و همه را فوت آب شدند. با "دیالکتیک مهدویت" پشت دیالکتیک هگل را به خاک مالیدند! با "فلسفه انتظار" جلوی یکایک غولهای فکری غرب در آمدند و

یکی از مزخرف ترین و ابلهانه ترین موهومات روی کره زمین، داستان یک کاراکتر مجهول الهویه و نیست در جهانی است که دو-سه نفر آدم شاید هزار و اندی سال پیش در شهر سامره عراق فرستادنش توی یک چاه. حالا در قرن بیست و یکم شیادان و انگلهای داخل یک حکومت به تمام معنا رذل و بی شرم کوچش داده اند به چاه دیگری نزدیک دم و دستگاه خرافه پروریشان. چلوکباب برگ با یک سیخ اضافه کوبیده و نوشابه تگری میفرستند برایش ته چاه تا "عنقریب" ظهور کند و بعد از اینکه همه دشمنان ملاها را سر به نیست کرد، جهان را پراز "عدل و داد" و احیاناً چلوکباب بفرماید! تا دستشان بر میامد دور و بر چاه را هم برای "جلال و جبروتش" پراز چراغهای الوان و انواع زلم زیمبو یا انطور که در یکی از سایتهای اینترنتی مهدویت نوشته، مزین به "شینلنگ نوری" کرده اند.

این روزها تمام دم و دستگاه صنعت خرافه پراکنی مذهب جمهوری اسلامی بکار افتاده، دارند برای "حضرت بقیت الله" سروسات جور میکنند تا بیشتر از این معطل نکند و جماعت را بیش از این علاف نفرماید. گند کارحکومتشان حسابی در آمده. دیگر وقتش است. یک وقت دیدید یکی دوتا از این آیت الله ها ایشان را خواب نما کرد که "حضرت قایم آل عبا" یک ظهور صغرا فرموده از چاه جمکران در آمد رفت توی ضریح امامزاده معصومه از آنجا ندا داد سربازان بسیجی و پاسداران "گمنامش" برای دست گرمی یک کشتار از مردم راه بیاندازند و دوباره برگشت توی سوراخ چاه برای یک دوره دیگر قایم شد. توی چنجه این آیت الله های دم بریده اینجور دکترین های جنایتکارانه غیرمحمول نیست وجود داشته باشد. با اینهمه سروصدایی که توی این موقعیت دور و بر "حضرت" ش راه انداخته اند

پاسخ به یک سوال

آذر ماجدی



لطفا در ستون نامه های نشریه یک دنیای بهتر پاسخ دهید.

آذر ماجدی در نوشته ای با عنوان «سنگ مفت گنجشک مفت...»، رضا مقدم را دو خردادی سابق نامیده و ادعا دارد که ایشان با شادی و سرمستی از عدم سرنگونی جمهوری اسلامی حرف می زند. البته دو خردادی نامیدن و به لجن کشیدن دیگران به بخشی از ادبیات و سیاست کل جنبش «کمونیسم کارگری» تبدیل شده و تنها خاص خانم ماجدی نیست. سه چهار سال پیش زمانی که بیش از نصف اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری تحت عنوان «حکمتیست» انشعب کردند، همین خانم ماجدی و علی جوادی آنقدر حنجره دریدند و دو خرداد دو خرداد و حجاریان حجاریان کردند که امثال مصطفی صابر هم پیششان کم آوردند. بگذریم که ایشان الآن حزب درست کرده اند که روح تازه ای به کمونیسم کارگری دمیده و واسطه ای برای بازگرداندن آن حجاریانی های سابق به این جنبش بشوند.

باور کنید با این حرفها اعتماد همان ده دوازده نفری هم که دور خودتان جمع کرده اید یواش یواش از دست می دهید. کجا رضا مقدم با «شادی و سرمستی» از عدم سرنگونی جمهوری اسلامی حرف می زند؟ او می گوید که منصور حکمت و حمید تقوایی بعد از دو خرداد برای رژیم عمر شش ماهه و یکساله تعیین کرده بودند که چنین نشد. آیا دروغ میگوید؟ همان موقع که ایشان و بقیه جداشدگان سال 99 میگفتند بابا والا بزودی انقلاب نمیشود، چپ دست بالا را در جامعه ندارد و مردم عکس مصدق از جیبشان در می آورند، شما به آنها دو خردادی و «جامعه مدنی چی» نسبت دادید و تکفیرشان کردید که اینها نتان از انقلاب بلرزه افتاده است، انقلابی قریب الوقوع که برایش تایم هم مشخص کردید. حالا اینها برگشته اند و «بدون شادی و سرمستی»

مختصرا می پردازم. همانطور که در نوشته مورد نقد شما اعلام کردم، ما حتما به نوشته رضا مقدم پاسخ خواهیم داد. و در آنجا با تحلیل مفصل تر و فاکت های روشن نشان خواهیم داد که چگونه رفقای که در آن مقطع استعفا کردند، بغیر از مسائل شخصی که در اینجا وارد آن نخواهم شد، به جامعه مدنی و جنبش «اصلاحات» عطف نظر داشتند.

در اواخر دوران ریاست جمهوری رفسنجانی جامعه متحول شد. نسل جوان، بدون هیچگونه خاطره زنده ای از کشتارهای دهه 60 برای تغییر و اصلاح جامعه فعالانه به میدان آمد. تلاش برای بهبود و تغییر در زمینه حقوق زنان، خلاصی فرهنگی و آزادی های سیاسی در صحنه جامعه بروز علنی یافت. این تحولات زمینه های شکل گیری جنبش اصلاحات رژیم را فراهم آورد. بخشی از نظام با توجه به این تحولات علم «اصلاحات» را بلند کردند. استدلالشان روشن بود، خشونت و سرکوب بیشتر به نارضایتی تمام و کمال از رژیم منجر و موجب سستی پایه های آن خواهد شد و سرنگونی را در دستور خواهد گذاشت. «جمهوری اسلامی نوع دوم» باب شد. جامعه مدنی به نشریات شبه روشنفکری راه یافت. و بالاخره در خرداد 76 خاتمی، آخوند لخبند به لب و ژینگول، با حدود بیست ملیون رای رئیس جمهور شد. از اینجا است که جنبش طرفدار اصلاحات در ایران را دو خرداد مینامند.

این اتفاق تقریبا تمام جریانات اپوزیسیون را طرفدار جنبش اصلاحات کرد. برخی بشکل علنی به طرفداری از رژیم بلند شدند، اپوزیسیون پرو رژیم، برخی دیگر کمی خجولانه تر و پوشیده تر. عمده رفقای که از حزب کمونیست کارگری در سال 1999 استعفاء کردند شیفته جنبش اصلاحات شده بودند. از سرنگونی ناامید بودند و

اصلاحات رژیم را در دستور گذاشتند. اصلاحات در جنبش کارگری و سر و کله زدن با انجمن های اسلامی، اصلاحات سیاسی، و غیره. در فرهنگ لغات سیاسی ایران در این مقطع هر که طرفدار جنبش اصلاحات است و چشم به سرنگونی ندارد را دو خردادی مینامند. تقصیر ما نیست. قصد مارک و برچسب زدن به کسی یا جریانی را هم نداریم. تمام ادبیات این جریان ادبیات اصلاحات است. شاید از خاتمی علنا دفاع نکنند اما در شرایطی که جنبشی به نام «اصلاحات» در ایران پا گرفته است، این دوستان از «ریشه دار بودن جنبش اصلاحات» سخن گفتند. مقوله «جامعه مدنی» را با لعابی تئوریک قبول کردند. پس با توجه به این گذشته روشن است که من رضا مقدم را دو خردادی نامیده ام. از خود ایشان پرسید نظرشان در مورد جنبش سرنگونی و اصلاحات چیست. نظرشان در همین مورد 8 سال پیش چه بود. از این زاویه به ادبیات جریانشان رجوع کنید. مطمئن باشید حق را به من خواهید داد.

در مورد سرنگونی رژیم. منصور حکمت تحلیلی مارکسیستی و عمیق از ماهیت رژیم اسلامی ارائه داده است تحت عنوان بحران آخر. منصور حکمت مطرح میکند که رژیم اسلامی یک رژیم متعارف سرمایه داری نیست و نخواهد شد. بحران این رژیم به این معنا سیاسی است. و به این ترتیب این رژیم منتظر سرنگونی است. اما باید سرنگونش کرد. منصور حکمت نگفته است که این رژیم خود خواهد افتاد. مساله اینست که جنبش سرنگونی مردم باید قادر به انجام این امر شود. رفقای سابق ما بحث بحران آخر را قبول ندارند. رژیم را اصلاح پذیر میدانند و زمانی که به رخ ما میکشند که دیدید رژیم سرنگون نشد، دارند شادی شان را از بخیال خود درست درآمدن تحلیل شان و غلط درآمدن تحلیل منصور حکمت اعلام میکنند. اینها شادند که بخیال شان تئوری منصور حکمت غلط از

زندانی، خاوران ...

قبل سنگینی قابل توجه ای دارد برای نسل جدید و جنبش اعتراضی امروز همان جایگاه را دارا نیست، و متقابلاً آنچه از اهمیت و اولویت در تفکر و حرکت نسل امروز برجسته است مکان چندانی در دیدگاه و تجربه نسل سیاسیون انقلاب 57 ندارد. این مسائل که شاید بیشتر قلمرو جامعه شناسی سیاسی است و بررسی آن در تعیین روش و سبک کار و زبان تبلیغ و نوع سازمانگری و ارجاع به گذشته و هموار کردن مسیر حال و آینده اهمیت جدی دارند، دستکم این اعلام خطر را میکند که دچار نسل‌آزی و اسارت در گذشته نشویم و شکاف نسلی را به شکاف سیاسی غیرقابل پرکردن تبدیل نکنیم.

بعنوان یک بازمانده کشتارهای جمهوری اسلامی و بعنوان کسی که با زندانیان زیادی در لحظه آخر وداع کرده است و هنوز صورت عزیزشان در مقابل چشمانم هستند، در روزهای شهرپور غمی عمیق سراپای فکر و جانم را درمی‌نوردد. زندان و زندانی برای امثال من از یکسو یادآور چهره های منحوس لاجوردی، داود رحمانی، زندان اوین و گوهر دشت و قزلحصار و سلولهای انفرادی و گاودانی و تابوت و دهها و صدها مکان و چهره خونخوار و بیرحم و بی عاطفه و قصی القلب است. از سوئی یاد آور نسلی از فهیم ترین الیت سیاسی جامعه ایران است که دهها نفر از این سران و کاربدستان و متفکرین و شبه تئورسین های امروز جمهوری اسلامی به گرد پای یکی شان نمیرسید. کسانی که با هر روایتی که از آزادی در زمانه خود داشتند و هر کمبودی بر نگرش و عمل و پراتیک شان در یک تحول انقلابی حاکم بود، اما در یک رنج تاریخی سنگر مقاومت و مقابله با ارتجاع زمانه بودند. جمهوری اسلامی روی دوش کشتار این نسل پیا شد. جمهوری اسلامی بدون برپائی

دستگاه سرکوب اش متفاوت است. آزمان در زندان بعنوان مرکز و ثقل قدرت حکومت بالاترین حد اختناق حاکم بود، امروز با تمام شکنجه و روشهای غیر انسانی "مدرنی" که علیه زندانی بکار میبرند، زندان و زندانی یک جبهه دیگر مبارزه و حرف زدن و گردن نگذاشتن است. گوئی دیگر زندان کاربرد کلاسیک اش را از دست داده است. جنگ نابرابر هنوز ادامه دارد. این نسل به جنگ آمده



است و برخ کشیدن شمه هائی از گذشته نمیتواند ساکنش کند. وقایع انقلاب 57 برای نسل امروز شباهت زیادی دارد به دوران مصدق و ماجرای 28 مرداد برای نسل مدرن انقلاب 57. هر کسی هر چیزی در نکوهش نداشتن حافظه تاریخی بگوید یا نه، این نسل ناچار است راهش را در چهارچوب امروز بباید و آینده اش را بر اساس افقی روشن و مبتنی بر مؤلفه های دنیای امروز تبیین کند.

هیچوقت به قهرمانی و اسطوره و اساسا اسطوره سازی اعتقاد نداشتیم. این مقولات در همان انقلاب 57 که در ابعاد میلیونی نسل آن دوره را به میدان سیاست پرتاب کرد و بر زندگی و آینده آنها تاثیرات اساسی گذاشت اجتماعاً نقد شدند. وقتی زندانی در آن دوره برخلاف دوره شاه، صرفاً الیت سیاسی و دانشجویان و تحصیلکردگان اقشار ناراضی میانی نیستند، و عبارتی زندانی شدن و زندانی و اعدامی داشتن به معضل بخش بزرگی از مردم تبدیل میشود، دیگر عبارات و اسطوره های قدیمی کفایت توضیح این پدیده را ندارند. و امروز بسیار جالب تر است. کمتر جوانی هست که چند بار زندان نرفته باشد. خیلی ها وقتی در یک حرکت شرکت میکنند، خود را برای دستگیری و

چگونگی رها شدن و شرکت مجدد آماده میکنند. زندان دارد به یک داده و یک ایستگاه موقت در مسیر تلاش علیه جمهوری اسلامی تبدیل میشود. زندان و زندانی سیاسی مفهوم الیتستی دوره های پیشین را از دست میدهد و این نشان گسترش ابعاد اعتراض اجتماعی و عوض شدن خصوصیات مقاومت و تلاش علیه ارتجاع اسلامی امروز است.

در این دقایق که مشغول نوشتن این متن هستم مرتباً اخبار اعدام در شهرهای مختلف و دستگیری و شکنجه علنی خیابانی را مشاهده میکنم. هنوز بعنوان یک جامعه اسیر شده در منگنه اختناق و اسلام و سرمایه قربانی می‌دهیم. اما هنوز جنگ و مقاومت ادامه دارد. هنوز در چهره قاتلین و میرغضب ها ترس و وحشت قابل مشاهده است و چه دلیلی روشن تر از همین نمایشات خیابانی اعدام و شکنجه!

اینروزها در خاوران سرود سوسیالیسم میخوانند، علیه اعدام سخن میگویند، آزادی زندانیان سیاسی را مطرح میکنند، زندانیان سیاسی اسم و نامشان در مجامع جهانی ثبت است، آنروزها ما زندانیان و نسل کشتار شده های انقلاب 57 از گمنامان بودیم. گفتیم به قهرمانی و قهرمان پروری و اسطوره پردازی هیچ وقت باور نداشتیم. چون فکر میکنم مقوله زندانی و مقاومت و غیره را باید در ظرفیتهای غیر ایدئولوژیک و اجتماعی مانند هر موضوع و واقعه دیگر در متن چهارچوبها و مقدرات تاریخی بررسی و تبیین کرد. با اینحال هیچ مبارزه و تلاش و مقاومت و جنگی بدون قهرمانی های فردی و جمعی پیش نرفته است. بخون خفتگان در خاوران و خاوران ها و نسل انقلاب 57، علیرغم هر نقد امروز به دیدگاه و سنت سیاسی و محدودیتهای آن دوران، صحنه های بزرگی از تلاش و مقاومت و قهرمانی و دفاع از اصول خلق کردند. بدون تردید جنگ نسل امروز با تمام خود ویژگیهایش تا هم اکنون صحنه های شکفت انگیزی خلق کرده است و

پاسخ به یک سوال ...

آب درآمده است. حال سکتاریسم موجب این شادی است یا علاقه به رژیم اسلامی، "خدا" میدانند. اما حتی اگر این شادی از سر رقابت و سکتاریسم باشد، زنده است. به نفع جمهوری اسلامی تمام میشود. یعنی این دوستان با این همه تجربه در امر سیاست این مساله را درک نمیکنند؟ خلاصه کنیم. منصور حکمت میگفت رژیم اسلامی روی پله آخر ایستاده یک نیرویی باید هلس دهد تا از آن پله بیافتند. این پیشگویی نیست. این یک تحلیل عمیق مارکسیستی است. (دفاع از تزه‌های حمید تقوایی هم با خود ایشان است.)

و اما دوست عزیز علیرغم اتهام شما که اعلام میکنید در رابطه با رفقای که در سال 2004 از حزب کمونیست کارگری انشعبا کردند: "خانم ماجدی و علی جوادی آنقدر حنجره دریدند و دو خرداد دو خرداد و جاریان جاریان کردند که ... هیچیک از ما چنین برخوردی نکرده ایم. این اتهام صرفا شما نیست. کسان دیگری هم بمنظور گل آلود کردن آب دست به چنین تحریکاتی میزنند. مساله جاریان اشاره دارد به یکی از نوشته‌های کورش مدرسی که در آن به امکان تشکیل دولت موقت با بازماندگان رژیم از جمله جاریان اشاره میکند. این تحلیل کاملا با تحلیل‌های تا آن زمان حزب کمونیست کارگری در تناقض قرار داشت. این سیاست از

طرف علی جوادی و من بدرست نقد شد. این نقد کاملا درست و اصولی بود. اما برخی با توسل به هوچی گری و بهم زدن اوضاع، مظلوم نمایی و غیره، خود جاریان را در بوق و کرنا کردند تا بتوانند فضا را غبار آلود کنند و بهم بریزند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری با صراحت کامل هدفش را اعلام کرده است. ما در تلاش برای ایجاد اتحاد و انسجام درون صفوف جنبش کمونیسم کارگری هستیم. این انشقاق بشدت به ضرر کمونیسم، طبقه کارگر و مردم ایران است. این تلاش بمعنای عدم نقد آنچه غیرکمونیستی و غیرمارکسیستی هست، نیست. پراکندگی و انشقاق موجب شده است که از چپ و راست جنبش کمونیسم کارگری مورد حمله قرار گیرد. این وظیفه ماست که از صلابت و حقانیت این جنبش و از صحت تئوری‌ها و سیاست‌های منصور حکمت دفاع کنیم. ما با اتکاء به فاکت و واقعیت نقد میکنیم. برچسب نمیزنیم. همان زمان هم که این رفقای سابق استعفاء کردند و "شکست کمونیسم کارگری" را اعلام کردند، ما برچسب نزدیم. پاسخ‌شان را دادیم.

اگر هنوز نکته‌ای ناروشن است خوشحال میشوم که در میان بگذارید.*

عدنان حسن پور و هیوا بوتیمار به اعتصاب غذا پایان دادند!

عدنان حسن پور و هیوا بوتیمار بعد از بیش از 50 روز اعتصاب غذا در حالی که هیچ کدام از خواسته‌های آنها برآورده نشد، به اعتصاب غذای خود پایان دادند.

لازم به ذکر است که خانواده و برادر هیوا بوتیمار نیز در این هفته بمدت 5 روز مقابل سازمان امنستی در لندن اعتصاب غذا کردند. این اعتصاب که متأسفانه دو کودک هم در آن شرکت داشت روز سه شنبه خاتمه یافت. خواستهای این خانواده به نهادها و دولت انگلستان؛ لغو حکم اعدام هیوا بوتیمار و عدنان حسن پور، دیدار با یک مسئول رده بالای قضایی جمهوری اسلامی، انتقال آنها به زندان عمومی مریوان و معاینه پزشک برای شکستن اعتصاب غذا بوده است. خانواده بوتیمار به اعتصاب و تحسن خود پایان داده و اعلام کردند مبارزه برای آزادی بی قید و شرط هیوا بوتیمار و عدنان حسن پور را در روزهای آتی در ابعاد دیگر ادامه خواهند داد.

طبق آخرین اخبار تلفنی که واحد حزب اتحاد کمونیسم کارگری انگلستان از هادی بوتیمار دریافت کرده، تا این لحظه رژیم هیچ کدام از خواستهای عدنان و هیوا را پاسخ نداده است. این دو زندانی علیرغم شکستن اعتصاب غذا پس از پنجاه روز، کماکان در وضعیت جسمانی خطرناک در انفرادی بسر میبرند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری ضمن پشتیبانی از شکستن اعتصاب غذا توسط این دو زندانی و ابراز نگرانی در مورد سلامتی آنها، جمهوری اسلامی را مسبب مستقیم این فجایع میدانند. ما خواهان لغو فوری احکام اعدام، پایان دادن به اعدامها، و آزادی کلیه زندانیان سیاسی هستیم. این مبارزه نیاز به یک تلاش اجتماعی و گسترده دارد. اعتصاب غذا و حمله به خود پاسخ نیست. نمیتوان توده عظیم مردم را به اعتصاب غذا کشاند. مبارزه اجتماعی مکانیزم اجتماعی دارد. حزب اتحاد کمونیسم کارگری مردم آزادیخواه، احزاب و جریانات و نهادهای مدافع حقوق بشر را به گسترش مبارزه علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی دعوت میکند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب اتحاد کمونیسم کارگری - واحد انگلستان

070905

ستون آخر ...

رادیکال است که پیاده شدنی نیست. "دفاع بی قید و شرط و قاطع کمونیست‌های کارگری از آزادی بی قید و شرط زن و از برابری کامل و واقعی زن و مرد شهره خاص و عام است. زمانی که شما و دوستان تان به آقای خاتمی برای ذره‌ای اصلاحات دخیل بسته بودید، این کمونیست‌های کارگری بودند که دو خرداد و جنبش عقیم "اصلاحات" و امکان ناپذیری تحقق "جمهوری اسلامی نوع دوم" را افشاء میکردند. این کمونیست‌های کارگری بوده اند که زن ستیزی جمهوری اسلامی را در جهان افشاء کرده اند. آن وقت شما دارید به چپ دفاع از حقوق زن را میاموزید؟

ملی - اسلامی‌ها را می‌شناسیم. اما این روش‌ها عقیم بودنش را سال‌ها است که اثبات کرده است. پراگماتیسم هم حکم میکند که کمی رادیکال تر ظاهر شوند. اینقدر به اسلام باج ندهند. مردم ایران از این رژیم بیزارند. زنان میدانند که تمام این قوانین و زن ستیزی از اسلام نشأت گرفته است. مردم ضمناً کمونیست‌های کارگری و برابری طلبی و آزادیخواهی آن‌ها را میشناسند. از آنها بپرسید، به شما خواهند گفت: اسلام ارتجاعی است نه چپ.*

توجه؛ پاسخ به نامه‌های این شماره در ضمیمه شماره 15 منتشر شده است.

زندانی، خاوران ...

پیروزی‌اش در گرو شناخت معضلات امروز و پاسخ روشن به آنست. آنچه امروز را به گذشته و امروز را به آینده وصل میکند، آرمانها و آرزوهای دیرینه بشر و تلاش برای آزاد زیستن است. ما موظفیم و باید تاریخ جنایت علیه مردم را زنده نگاه داریم تا روزی حقیقت روشن شود و جامعه بتواند از آن دوران وحشت عبور کند. روز پیروزی این پرده سنگین و تاریک را کنار خواهیم زد. با برپایی مراسمهای تجلیل و بزرگداشت از عزیزان مان که در جنگی نابرابر جانباختند به آینده آزاد و بدون اعدام و بدون زندانی متعهد میشویم. اما نسل امروز برای پیروزی باید مثل هر جنبش پیشرو چکامه‌اش را از آینده بگیرد.*

جلسه سخنرانی و پرسش و پاسخ با اعضای رهبری حزب اتحاد کمونیسم کارگری

بررسی اوضاع سیاسی ایران

* موج اعدامها و راه مقابله با آن * موقعیت رژیم اسلامی * کمونیسم کارگری و مسئله سرنگونی

علی جوادی، سیاوش دانشور، نسرین رضانعلی، آذر ماجدی



لندن؛ شنبه 22 سپتامبر ساعت 18.00 عصر

St Mary's Hall, 30 Hendon Lane
Finchley Central

* نمایشگاه عکس، اسلاید شو، میز کتاب و نشریات

از عموم علاقه مندان برای شرکت در این جلسه دعوت میکنیم!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری- واحد انگلستان

تلفنهای اطلاعات؛ سیروان قادری 07912689231 شماره نوری 07881726475

گفتگو با علی جوادی ...

عمد دولتی است. باید تلاش کرد که نیروهای مدافع لغو مجازات اعدام به این حرکت گسترده در ۱۰ اکتبر (۱۸ مهر) بپیوندند. نفس اعلام "اعدام نه" در ایران با توجه به توازن قوای سیاسی موجود جوهر فشرده سیاست این کمپین ما را منعکس خواهد کرد. از هم اکنون باید برای ایجاد فضای سیاسی لازم بطور گسترده اقدام کرد. مسلماً فعالین این جنبش میتوانند ظرایف پیشبرد این حرکت را در داخل کشور تنظیم و تعیین کنند. ابعاد ریز و جوانب سازمانی قضیه را باید به عهده فعالین این جنبش در محل گذاشت.

دنیای بهتر: این کمپین به ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام گره خورده است. معنای پیروزی این کمپین چیست؟

علی جوادی: در مورد معنای پیروزی در سئوالات قبلی مختصری اشاره کردم. صدور قطعنامه برای متوقف کردن اعدام در جهان به جنبش ما امکانات گسترده و تازه ای میدهد. باید در صورت پیروزی این پیروزی را جشن گرفت. باید در پیروزی این جنبش مدنیت و انسانیت وسیعاً شریک و سهیم شد. این پیروزی میتواند نقطه عطفی در تاریخ مبارزه برای لغو مجازات اعدام در سطح جهان باشد. ما برای پیروزی تلاش میکنیم و باید برای آن آماده باشیم. اما قبل از آن اقدامات زیادی تا ده اکتبر باید انجام دهیم.

دنیای بهتر: اقدامات و گامهای بعدی برای پیشروی کدامست؟

ما همگان را به پیوستن به این کمپین فرا میخوانیم. این کمپین میتواند جایگاه تاریخی ای در مبارزه علیه اعدام و رژیم اسلامی ایفا کند. ما از تمامی نیروهای کمونیسم کارگری انتظار داریم که به دور از هر گونه "رقابت های" سازمانی به این کمپین بپیوندند. ما این کمپین را اعلام کرده ایم، مبتکر آن شده ایم، اما این کمپین فقط متعلق به ما نیست. ما از واحدهای کشورهای خود انتظار داریم که در سطح خارج کشور پرچمدار راه اندازی تجمعات اعتراضی در این روز شوند. از همگان دعوت کنند تا در این روز در مکانهایی که مناسب دست به اقدام اعتراضی بزنند. سیاست ما روشن و صریح است. علیه اعدام، علیه رژیم صد هزار اعدام. برای آزادی بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی، برای لغو تمامی احکام اعدام، برای توقف فوری تعرض علیه زنان و جوانان. ما خواهان برگزاری گسترده ترین اعتراضات در این روز در سطح جهان هستیم. بی قید و شرط علیه اعدام و رژیم اسلامی اعدام. از طرف دیگر ما باید تلاش کنیم که بزرگترین تجمع در نیویورک برگزار شود. *

موازین کار نشریه یک دنیای بهتر

به حزب اتحاد کمونیسم کارگری کمک مالی کنید!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای جامعه ای آزاد، برابر، و مرفه مبارزه میکند. ما در مبارزه خود به کمکهای مالی شما نیازمندیم.

Wells Fargo Bank,
Routing Number : 121 000 248
Account Number : 36 48 4688 52

به حزب اتحاد کمونیسم کارگری بپیوندید!

اساس سوسیالیسم انسان است، چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است! منصور حکمت

فرم تقاضای عضویت در حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱- نام و نام خانوادگی: (اسمی که با آن فعالیت سیاسی میکنید)

۲- سال تولد:

۳- چگونه با حزب آشنا شدید؟

تاریخ: امضا:

تلفن: ای میل:

* سابقه تحصیلات، تسلط به زبانهای اروپائی، قابلیت های فنی و تخصص های حرفه ای:

* شهر محل تولد و زندگی:

* سابقه فعالیت سیاسی و متشکل:

آدرس تماس با مسئولین حزب اتحاد کمونیسم کارگری

علی جوادی (دبیر کمیته مرکزی)

Ali_Javadi@yahoo.com

Tel: +1 310 402 6567

هیات دایر دفتر سیاسی (علی جوادی، سیاوش دانشور، آذر ماجدی)

AzarMajedi@yahoo.com

Siravash_d@yahoo.com

مسئولین کمیته سازمانده (سیاوش دانشور، نسرین رمضانعلی)

nasrin_ramzanali@yahoo.com

مسئولین کمیته خارج کشور (کریم نوری، سیروان قادری)

karim.savalan@broadband.net

sirvan_qaderi@yahoo.com

مسئول دبیرخانه (شراره نوری)

markazi.wupi@gmail.com

* نشریه یک دنیای بهتر هر هفته در 12 صفحه منتشر میشود. این تصمیم به دلیل تسهیل امر انتشار و تکثیر است و نه انقباض در حجم مطالب و تنوع آنها. بنا به تصمیم سردبیر و اولویت سیاسی، چنانچه مطالبی انتشار آنها در نشریه ضروری باشد، جداگانه در ضمیمه یک دنیای بهتر منتشر میشوند.

* هر مقاله سیاسی حداکثر دو صفحه نشریه را بخود اختصاص میدهد. بنابراین حجم مطالب باید حداکثر معادل سه صفحه ورد با فونت 14 باشد. ترجیح ما اینست که هر مطلب از یک صفحه نشریه بیشتر نباشد.

* سردبیر در تلخیص، انتشار و یا رد مطالب آزاد است. هر مورد به اطلاع نویسنده میرسد.

* مطالب منتشر شده در نشریه نظر نویسندگان آن را منعکس میکند و ضرورتاً موضع رسمی حزب اتحاد کمونیسم کارگری نیست. مواضع رسمی حزب در اطلاعیه ها، قطعنامه ها، بیانیه ها و قرار ها و یا از طریق ارگانهای حزبی انعکاس می یابند.

* یک دنیای بهتر هدفش اینست بیشتر یک نشریه سیاسی - انتقادی - سازمانده باشد تا یک نشریه تئوریک - جدلی - آموزشی. اینگونه مطالب در بولتن مباحثات "کمونیسم کارگری" که ماهیانه منتشر میشود، چاپ میشوند.

* همینطور در سایت حزب صفحه ای با عنوان "ستون آزاد مباحث کمونیسم کارگری" باز شده است. این ستون به بحث پیرامون مسائل و محورهایی که هنوز به توافق عمومی در جنبش کمونیسم کارگری تبدیل نشده اند، جدل و نقد مواضع سیاسی اختصاص دارد. ما از همه فعالین احزاب کمونیستی کارگری و جنبش سوسیالیستی کارگری مستقل از تعلق سازمانی برای شرکت فعال در این ستون دعوت میکنیم. همینطور در این ستون مباحثی که جنبه انتشار فوری دارند، منتشر میشوند. با نشریه یک دنیای بهتر همکاری کنید.

با بولتن مباحثات کمونیسم کارگری همکاری کنید!

اولین شماره بولتن "مباحثات کمونیسم کارگری" 15 سپتامبر 2007 منتشر میشود. این یک نشریه تئوریک - سیاسی است که به مباحثات کمونیسم کارگری اختصاص دارد.

در این نشریه تلاش میشود به مباحث اصلی و بحث برانگیز مطرح در جنبش کمونیسم کارگری از طریق مصاحبه، میزگرد و مقاله پرداخته شود. این یک نشریه حزبی نیست، لذا صفحات آن به روی کلیه کسانی که طی مقالاتی به مباحثات کمونیسم کارگری پردازند، باز است.

از کلیه کسانی که علاقمند به دخالت در این عرصه هستند دعوت میشود که مقالات خود را برای نشریه ارسال دارند. آخرین تاریخ دریافت مطلب برای شماره اول، 1 سپتامبر است. لطفاً مقالاتتان را در فرمت word به آدرس Majedi.azar@gmail.com ارسال کنید.

رد یا قبول مقاله برای انتشار با سردبیر است.

آذر ماجدی، سردبیر نشریه مباحثات کمونیسم کارگری

ستون آخر

آذر ماجدی



از برکات جنبش ملی - اسلامی:
"اسلام مترقی، چه مرتجع!"

داشتم گزارش مصاحبه مطبوعاتی بمناسبت سالگرد کمپین یک میلیون امضا برای تغییر قوانین تبعیض آمیز را میخواندم. خانم ها شیرین عبادی و سیمین بهبهانی و آقای بابک احمدی در این مصاحبه مطبوعاتی شرکت داشتند. همان خطی که در مراسم 22 خرداد حاکم بود، با صراحت بیشتر در این مصاحبه مطبوعاتی بارز بود: دفاع از اسلام و حمله به چه. پیش خودم فکر کردم این نمیتواند اتفاقی یا حتی فردی باشد. این کاملاً بیانگر انسجام خطی و فکری گرایش ملی - اسلامی است. فکر کردم اینها ممکن است دفاع از اسلام را با توسل به مسائل امنیتی توجیه کنند، اما حمله به چه را چگونه توجیه میکنند؟ بگذارید ابتدا چند نقل قول بیاوریم و بعد به این مساله بپردازیم:

خانم شیرین عبادی در نقد لایحه "حمایت خانواده" اعلام کرد: "این قانون هم از لحاظ حقوقی ایراد دارد، هم با تعهدات بین المللی ایران ناسازگار است و هم مطابق با شریعت اسلام نیست." این دیگر دروغ در روز روشن است. لایحه جدید تاکید بیشتر و کاملاً یک جانبه ای بر تعدد زوجات و صیغه دارد و همچنین تصریح میکند که صیغه لازم به ثبت نیست. آخر کجای این با شریعت اسلام مطابق نیست؟ هر انسانی که آشنایی جزیی با اسلام داشته باشد و یا در یک کشور اسلام زده زندگی کرده باشد، به این وکیل دادگستری و برنده جایزه نوبل خواهد گفت: "لطفا اینقدر از اسلام دفاع نکنید. دفاع از اسلام را بعهد آخوندها بگذارید و از حقوق زنان دفاع کنید!" آیا این رسماً خاک پاشیدن به چشم زنان نیست؟

خانم سیمین بهبهانی سخنان خود را با قرائت آیه «ان اکرمکم عندالله اتقاکم» آغاز کرد و سپس گفت: "اسلام به موجب این آیه از همه تبعیض های حقوقی بین زن و مرد مبری است و هرکه بگوید بر اساس اسلام زن حق کمتری از مرد دارد خلاف اسلام و قرآن سخن گفته است." این جمله را باید به عجایب هفتگانه اضافه کرد و تعداد عجایب را به 8 رساند. روز روشن در مقابل چشمان مردم میگویند هر که بگوید طبق اسلام حقوق زن و مرد برابر نیست، ضد اسلام است! آیا لازم است سوره نساء را به ایشان یادآوری کرد؟ آیا لازم است قوانین شریعه را به ایشان نشان داد؟ ایشان شاعرند، حتماً این ها را مطالعه کرده اند. پس این اصرار در وارونه جلوه دادن اسلام در چیست؟ آیا قصد دارند به "علمای اسلام" پولتیک بزنند؟ راستش بعضی اوقات انسان متحیر میماند. این ها با این روش نمیتوانند و نباید بعنوان سخنگویان جنبش تغییر قوانین تبعیض آمیز شناخته شوند. اینها دارند از اسلام دفاع میکنند، نه از حقوق زنان.

بابک احمدی در مورد واکنش گروه های چه به کمپین چنین گفت: "در اوایل دانشجویان و یکسری از فعالین چه این انتقاد را داشتند که خواسته های کمپین بورژوازیست و نه خواست همه مردم ... این انتقادهای معمولاً از طرف چه سنتی، لنینیستها و استالینیستها مطرح می شد که تفاوت های بین زن و مرد برایشان کمرنگ است و صحنه دنیا را فقط برابری زن و مرد می بینند... ما الان با جریان سوسیال دموکرات سروکار داریم که در کل جهان فعال و پیشرو است. و این چه واقعی است. اما هنوز از این چه نسیمی به ایران نرسیده و هنوز تفکرات استالین است که به چه ایران سایه افکنده است.... من در طول این ماه ها به کمپین ایمان آوردم و بیشتر با آن همراه شدم و خوشحالم که به کمپین وفادار ماندم

و با اندیشه های مرتجع چه همواز نشدم."

این گفته های سخنگویان کمپین است. تعریف از اسلام، فحش به چه. چه به آقای احمدی باید گوشزد کرد که آنچه ایشان مطرح کرده اند، کلیشه هایی است که از چه نقل میشود. و در اینجا یک تلاش مشخص ضد کمونیستی ایشان را به طرح این کلیشه ها واداشته است. چه در جامعه ایران اکنون و در یک دهه گذشته به هیچ عنوان با این کلیشه ها تداعی نمیشود. نمیدانم چهار تا دانشجو در دانشگاه به ایشان چه گفته اند، اما طی دهه گذشته چه در ایران به روشنی با کمونیسیم کارگری تداعی شده است. به هر کس بگویند چه، به شما میگویند کمونیسیم کارگری. کسانی که آنقدر در دفاع از حقوق زن رادیکال و میلیتانت هستند که بنظر دوستان شما، "موجب فساد در جامعه خواهد شد." زیادی تندرو هستند. "زیادی اسلام را نقد میکنند." حرف هایشان اینقدر

صفحه 9

برنامه های تلویزیونی
برای یک دنیای
بتر

جمعه: ساعات ۵ بعد از ظهر
بوقت تهران

یکشنبه: ساعت ۱۲:۳۰ و
۵:۳۰ بعد از ظهر

دوشنبه: ساعت ۲:۳۰ بعد از
ظهر

در تلویزیون کانال یک

برای یک دنیای بهتر یک برنامه سیاسی است. بیطرف نیست، جانبدار است. مدافع حقیقت، آزادی، برابری، شادی، رفاه و سعادت انسانها است. ما برای یک جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکنیم.

لطفاً روز و زمان پخش این برنامه ها را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خودتان برسانید.

آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیست و سوسیالیستی که به برپائی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>

<http://www.m-hekmat.com/>

یک دنیای بهتر

برنامه حزب اتحاد کمونیسیم کارگری را
بخوانید و به دوستانتان توصیه کنید!

از سایت و وبلاگ حزب دیدن کنید؛

www.for-abetterworld.com

<http://for-abetterworld.blogfa.com>

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!